

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث ما در آیات شریفه‌ای است که دلالت بر حیات برزخی دارد؛ قبلاً چندین آیه را مورد بحث قرار دادیم. یکی از آیات دیگری که دلالت بر عالم برزخ و حیات برزخی دارد آیه شریفه یازدهم سوره مبارکه غافر (مؤمن) است؛ خدای تبارک و تعالی از قول کفار نقل می‌کند «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ» خدایا میراندي ما را دو بار، يعني دو تا اماته داشتيم «وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ» و دو بار احياء داشتيم، يعني دو بار ما را ميراندي و دو بار هم ما را زنده كردي «فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا» ما به ذنوب خودمان اعتراف مي‌كنيم «فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ» آیا برای خارج شدن از آتش جهنم راهی وجود دارد یا خیر؟

ذیل آیه «فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ» دلالت روشنی دارد که این «قالوا» در همان هنگامی است که در دوزخ هستند این حرف را می‌زنند، یعنی وقتی اینها در عذاب جهنم قرار می‌گیرند، می‌گویند «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ» این ذیل آیه قرینه بر این معناست.

آیه قبل این است که «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ» کسانی که کفر ورزیدند ندا داده می‌شوند که «لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ» امروز دشمنی خدا با شما کفار بزرگتر از آن دشمنی‌ای است که خودتان در بین خودتان داشتید. این ندا می‌آید «لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ» خدا می‌فرماید ما رُسُل را در دنیا فرستادیم و شما را دعوت به ایمان کردیم ولی قبول نکردید! حالا امروز که روز قیامت است دشمنی خدا با شما بزرگتر از آن دشمنی‌ای است که خودتان با یکدیگر دارید. باز در آیه قبل هم یکی از عذاب‌هایی که کفار در روز قیامت دارند دشمنی‌ای است که بین خودشان ایجاد می‌شود؛ هر کدام به دیگری می‌گویند تو سبب ضلالت من بودی، تو من را گمراه کردی، آیه ظهور در این دارد. نه اینکه بگوئیم آیه دلالت دارد در اینکه اینها در دنیا با هم دشمنی داشتند، نه! يك دشمني در روز قیامت به عنوان عذاب بين الكفار مطرح است، خدا می‌فرماید دشمنی خدا با شما کفار از این دشمنی بزرگتر است.

در ادامه خداوند می‌فرماید وقتی این ندا داده می‌شود «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ» اولین سؤال این است که آیا بین این آیه یازدهم و آیه دهم ارتباطی وجود دارد؛ بگوئیم خدا يك ندایي به اینها می‌دهد که «لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ» اینها در جواب ندای خدا می‌گویند «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، دو بار ما را میراندي، دو بار ما را احيا كردي «فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا» ما به گناهانمان اعتراف مي‌كنيم. این آیه جواب از آن ندایي است که خدای تبارک و تعالی می‌دهد. یا احتمال دوم اینکه بگوئیم این آیه یازدهم ارتباطی به آن ندا ندارد؛ خدا می‌فرماید در روز قیامت ما به کفار می‌گوئیم «لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ»، یکی از حرفهایی که اینها می‌زنند این است که می‌گویند خدایا دو بار ما را اماته كردي و دو بار هم ما را احياء كردي، ما اعتراف به گناه می‌کنیم «فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ».

از کلمات مرحوم علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه استفاده می‌شود که این «قالوا» در آیه یازدهم جواب آن ندا است که در آیه دهم است، در آیه دهم فرمود: «يُنَادُونَ لَمَقَّتْ لَهِ اَكْبَرُ مِنْ مَفْتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ» خدا می‌فرماید الآن دشمنی خدا با شما کفار خیلی بزرگتر از آن دشمنی بین خودتان است، اینجا در مقام جواب به این ندا می‌گویند خدایا دو بار ما را میراندی، دو بار ما را احیا کردی، ما اعتراف به ذنوب داریم، حالا «فَهَلْ اِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ» گویا از خدا تقاضا می‌کنند که دشمنی‌اش را در حق اینها به فعلیت نرساند.

همه بحث‌ها این است که آیا از این آیه شریفه مسئله حیات برزخی را می‌توانیم استفاده کنیم؟ کما اینکه برخی از مفسرین از جمله خود مرحوم علامه از این آیه شریفه حیات برزخی را استفاده کرده‌اند.

پس اولین سؤال این است که آیا این «قالوا ربنا» ارتباط به «ینادون» دارد یا نه؟ آیا این در جواب آن ندا است؟ مرحوم علامه می‌فرماید بله «سِیاقِ الْآیَةِ وَ مَا قَبْلَهَا یُشْعِرُ بِأَنَّهُمْ یَقُولُونَ هَذَا الْقَوْلَ بَعْدَ اسْتِمَاعِ الدَّاءِ السَّابِقِ» بعد از اینکه آن ندای سابق را شنیدند می‌گویند «رَبَّنَا اٰمَنَّا اٰثْنَتَيْنِ وَاٰحَبَبَتِنَا اٰثْنَتَيْنِ». بعد می‌فرماید کفار در دنیا در ریب و شک نسبت به بعث بودند، در اینکه يك روزی بعد از اینکه از دنیا می‌روند رجوع به خدای تبارک و تعالی می‌کنند شك یا منکر بودند! و اینجا الآن می‌گویند ما حالا قبول کردیم «رَبَّنَا اٰمَنَّا اٰثْنَتَيْنِ وَاٰحَبَبَتِنَا اٰثْنَتَيْنِ» دو بار ما را میراندی و دو بار هم ما را احیا کردی، یعنی چون روز قیامت همی حقایق برایشان روشن می‌شود بر این اماته و احیاء اعتراف می‌کنند و بعد هم می‌گویند آیا ما می‌توانیم از جهنم خارج شویم یا خیر؟

که ایشان باز اینجا نکات خوبی دارند و می‌فرماید چون این کفار در دنیا روز حساب را فراموش کردند «ونصیان یوم الحساب مفتاح کل المعصية» فرمودند فراموشی روز قیامت مفتاح هر معصیتی است. به آیه 26 سوره مبارکه «ص» اشاره می‌کنند «إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» اینهایی که از راه خدا گمراه می‌شوند عذاب زیاد دارند چون روز حساب را فراموش کردند و می‌فرمایند در آنجا ریب و شک و تردید از کفار زائل می‌شود و یقین پیدا می‌کنند و دنبال تخلص از عذاب هستند. آنجا اعتراف به گناه می‌کنند، دنبال تخلص از عذاب هستند! یعنی این اعترافشان به گناه مترتب بر حصول یقین به معاد است.

بعد می‌فرماید این «أَمَنَّا اٰثْنَتَيْنِ وَاٰحَبَبَتِنَا اٰثْنَتَيْنِ» را مشهور مفسرین اینطور می‌گویند که اماته‌ی اولی همین اماته از حیات دنیا است، احیاء اولی احیای در عالم برزخ است، اماته دوم اماته از برزخ است، یعنی وقتی که در برزخ هستند نفخ صور دوم که دمیده می‌شود «فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» [1] تمام برزخیان دوباره از دنیا می‌روند، یعنی اماته پیدا می‌کنند باز دو مرتبه احیاء دوم برای روز بعث و روز حساب.

اگر ما آمدم آیه شریفه را اینطور گفتیم که «أَمَنَّا اٰثْنَتَيْنِ وَاٰحَبَبَتِنَا اٰثْنَتَيْنِ» به این معناست که اماته اولی همین اجلی است که انسان در این دنیا دارد و موت قطعی است که پیدا می‌کند، احیاء اولی، چون می‌گوید «وَأَحَبَبَتِنَا اٰثْنَتَيْنِ» دو بار ما را احیاء کردی، احیاء اولی همان عالم برزخ می‌شود. اماته‌ی ثانی باز میراندن در عالم برزخ است، یعنی تمام انسان‌ها وقتی قیامت می‌شود دو مرتبه می‌میرند، «وَأَحَبَبَتِنَا اٰثْنَتَيْنِ» و خدای تبارک و تعالی همه را دوباره احیاء می‌کند برای روز قیامت. اگر ما آیه را اینطور بیان کردیم نتیجه این می‌شود که بعد از اماته اولی يك حیات اولی وجود دارد که اسم این حیات اولی را می‌گذاریم حیات برزخی، بعد از اماته دوم حیات دومی هست که حیات یوم البعث است و حیات روز قیامت است، این حیات باید حیات برزخی باشد و

در نتیجه آیه شریفه روی این بیان دلالت بر برزخ و حیات برزخی دارد.

احتمال دوم این است که این آیه یازدهم سوره مبارکه مؤمن نظیر آیه 28 از سوره مبارکه بقره است. در آیه 28 سوره مبارکه بقره می‌فرماید «**كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْْواناً فَأَحْيَاكُمْ**» شما يك زمانی مُرده بودید و خدا احیاءتان کرد «**ثُمَّ يُمِيتُكُمْ**» دوباره خدا شما را میراند «**ثُمَّ يُحْيِيكُمْ**» بعد دوباره زنده می‌کند، وقتی که زنده کرد «**ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**». برخی گفته‌اند این آیه یازدهم در سوره مؤمن «**أَمْمَنَّا أَنْتَنِينَ وَأَحْيَيْنَا أَنْتَنِينَ**» همان آیه 28 سوره بقره است. در نتیجه اماته قبل از زنده شدن در دنیا است، یعنی انسان قبل از اینکه در این دنیا بیاید، قبل از اینکه نطفه باشد موت اول است، و احیاء اولی همین زندگی و حیات دنیوی است، مرگ در این دنیا می‌شود اماته دوم، در نتیجه احیاء دوم همان حیات روز قیامت است که اگر آمدم گفتیم آیه این معنا را دلالت دارد «**أَمْمَنَّا أَنْتَنِينَ وَأَحْيَيْنَا أَنْتَنِينَ**» گفتیم این مثل آیه «**كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أََمْْواناً فَأَحْيَاكُمْ**» يك زمانی مُرده بودید و خدا شما را زنده کرد «**ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ**» شما را میراند و سپس دوباره زنده کرد «**ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**» جواب این است که در این آیه سوره مؤمن می‌گوید «**أَمَتٌ**» از اماته است، اماته یعنی میراندن، میراندن در جایی است که مسبوق به يك حیاتی باشد، یعنی جایی که حیات نباشد زمانی است که انسان خاک بوده، نمی‌گویند اماته کرده، اموات درست است میّت بوده، اما اماته در آن معنا ندارد بلکه اماته مصدر باب افعال است، «**أَمَاتَ يُمِيتُ إِمَاتَةً**» و کفار به خدا عرض می‌کنند تو ما را اماته کردی، یعنی يك زمانی زنده بودیم و تو ما را از بین بُردی، هر اماته‌ای مسبوق به حیاتی است. آن زمانی که انسان نطفه است قبل ولوج الروح، آن زمان میّت است و اماته‌ای وجود ندارد، آن زمان هم می‌گویند عنوان میّت را دارد.

پس احتمال دوم با لفظ اماته سازگاری ندارد، که بعضی‌ها هم این کار را کردند، بیائیم يك تکلفاتی را در اینجا به خرج بدهیم، برای اماته يك معنای مجازی کنیم که به همان معنای موت هم باشد، پس این احتمال دوم باطل است. احتمال سوم این است که این «**أَحْيَيْنَا**» دو حیات است: یکی حیات در عالم زر است، احیاء النفوس في عالم الزر وقتی که در عالم زر، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید ما از شما عهد نگرفتیم در عالم زر «**أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى**» احیاء اول همان احیاء در عالم زر است، بعد از آن اماته اول می‌شود، احیاء دوم آوردن به این عالم دنیا است، اماته‌ی دوم هم اماته از این عالم دنیا است که احیاء سومی به وجود می‌آید که احیاء در بعث است. پس اگر کسی بخواهد احتمال سوم را بگوید؛ دو اماته است و سه احیاء است، احیاء اول احیاء در عالم زر است، بعد خدا اینها را می‌میراند، احیاء دوم آوردن در این دنیا است و بعد خدا می‌میراند، احیاء سوم احیاء در روز قیامت است که اگر ما آمدم اینطور معنا کردیم، دیگر آیه دلالت بر عالم برزخ ندارد، این هم احتمال سوم.

احتمال چهارم این است که اصلاً در این آیه شریفه «**رَبَّنَا أَمْمَنَّا أَنْتَنِينَ وَأَحْيَيْنَا أَنْتَنِينَ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا**» این اثنتین دلالت بر تکرار دارد، خودش دخالت و موضوعیتی ندارد. «**رَبَّنَا أَمْمَنَّا أَنْتَنِينَ**» یعنی خدایا چند بار ما را میراندی، دلالت بر تکرار دارد «**وَأَحْيَيْنَا أَنْتَنِينَ**» یعنی دلالت بر تکرار کند، در نتیجه بگوئیم آیه اصلاً کاری به این ندارد که کفار در قیامت بخواهند بگویند يك روزی ما در دنیا بودیم، ما را میراندی، بعد احیاء برزخی به ما دادی، دوباره در احیاء برزخی هم ما را میراندی، دو مرتبه احیاء برای قیامت آوردی، اینها را نمی‌خواهند بگویند! بلکه در همین جهنم دائماً اینها می‌میرند و زنده می‌شوند، یکی از سؤالات این است که بالأخره این انسان در جهنم چقدر توان و ظرفیت دارد، وقتی سوخت و تمام شد! دیگر چه کسی را خدا می‌خواهد عذاب کند؟ به نظر ما این احتمال در این آیه شریفه از همه احتمالات اقواست؛ مخصوصاً اگر گفتیم این آیه شریفه با آیه قبل ارتباط دارد، در آیه قبل که اول بحث عرض کردیم، خدا به کفار ندا می‌دهد و به کفار می‌فرماید «**يُنَادُونَ لِمَقْتُلِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ** **مَقْتَلِكُمْ أَنْفُسَكُمْ**» دشمنی خدا با شما بزرگتر از دشمنی بین خودتان است. يك کسی سؤال کند که دشمنی خدا بزرگ است این تجلی‌اش در چه چیزی است؟ خدا اگر بخواهد با کفار در روز قیامت دشمنی کند، تجلی‌اش در این است که اینها را دائماً می‌میراند و زنده می‌کند. کفار این را می‌گویند و الا اصلاً میراندن در دنیا و در برزخ را چه لزومی دارد مطرح کنند؟ مرحوم

علامه می‌فرماید اینها برای اینکه بگویند ما که در دنیا بودیم آن موقع وقتی صحبت جهنم و برزخ می‌شد ما مسخره می‌کردیم می‌گفتیم «[مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيِي](#)» اصلاً قیامتی در کار نیست و برزخی در کار نیست «[إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا](#)» غیر از حیات دنیا چیز دیگری نیست! اما حالا می‌خواهند به خدا عرض کنند که خدایا ما یقین پیدا کردیم.

ما عرضمان این است که در آیاتی که قبلاً در مورد برزخ خواندیم، کفار به مجرد موت یقین پیدا می‌کنند، ملك الموت را می‌بینند، عالم برزخ را می‌بینند، همان موقع برایشان یقین حاصل شده و اگر بخواهیم «[أَمَّنَّا اِثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اِثْنَتَيْنِ](#)» را به این برگردانیم معنا ندارد! به نظر ما این احتمال اقرب احتمالات است که مخصوصاً با آیه قبل که آنجا خدا می‌گوید دشمنی خدا خیلی بزرگ است، خدا می‌خواهد با کفار دشمنی کند، بروزش در این است که این کافر را دائماً در جهنم می‌میراند و زنده می‌کند! بعد کفار می‌گویند خدایا این همه ما را میراندی و زنده کردی ما قبول داریم «[فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ](#)» حالا آیا می‌توانی ما را از آتش جهنم خارج کنی یا نه؟ به نظر می‌رسد که این بهترین احتمال است و روی این معنا نمی‌توانیم بگوئیم این آیه شریفه دلالت بر حیات برزخی دارد. مرحوم علامه برای اینکه این احتمال را رد کنند می‌فرمایند اگر خدا فرمود «[أَمَّتْنَا إِمَاتَتَيْنِ](#)» این احتمال خوب بود اما فرموده «[أَمَّتْنَا اِثْنَتَيْنِ](#)» یعنی دوبار، که می‌گوئیم دو بار هم کنایه از تکرار است، چه اشکالی دارد مثل «[ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ](#)» کَرَّتین همانطوری که دلالت بر تکرار دارد اثنین هم دلالت بر تکرار دارد. به نظر می‌رسد این آیه شریفه دیگر دلالت بر برزخ نداشته باشد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين